

نشریه ادبیات تطبیقی (علمی - پژوهشی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، سال سوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۰

بررسی تطبیقی شخصیت های

«قلعه حیوانات» جورج اورول و «باب شیر و گاو» کلیله و دمنه*

دکتر ابوالقاسم قوام

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

مینا بهنام

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در این نوشتار ابتدا تعریفی از فابل و الگوری داده شده است و این که اساساً این گونه داستان ها در چه شرایطی ایجاد می شوند. سپس، به معرفی هر یک از دو داستان به لحاظ درون مایه و نیز انگیزه نوشته شدن قلعه حیوانات و انگیزه آوردن کلیله و دمنه به ایران پرداخته شده است؛ ضمن بیان این نکته که قلعه حیوانات تصویر یک جامعه کمونیستی است و هر کدام از حیوانات به لحاظ شخصیتی، نماینده تپیی خاص از انسان هایی است که در بطن جامعه حضور دارند و نیز «باب شیر و گاو» کلیله و دمنه که به نوعی نشان دهنده شخصیت های موجود در دربار ساسانیان می باشد و روابط سوء و ناسازی های میان این اشخاص را به تصویر می کشد. پس از آن به معرفی هر یک از شخصیت های دو داستان و بیان ویژگی ها و خصایلی که از خلال گفتگوهایشان به دست آمده، پرداخته ایم؛ با این هدف که بتوانیم با تحلیل این خصوصیات، همتایی را در زمان مورد ارزیابی هر یک از دو داستان برای این حیوانات در نظر بگیریم. در پایان با نگاهی تطبیقی، ویژگی های مشترک و متفاوت شخصیت های دو داستان مورد ارزیابی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی

بررسی شخصیت، حیوانات، فابل، مشابهت، تفاوت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۲/۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۷
نشانی پست الکترونیکی نویسنده: mn_behnam@yahoo.com

۱. تعریف مسأله و بیان روش تحقیق

در ادبیات فارسی نویسندگان و شاعران متعهد کوشیده اند با کاربرد روش های گوناگون، به طرح مسایل و مشکلات موجود در اجتماع پردازند. یکی از این روش ها نوشتن داستان به زبان حیوانات است که در اصطلاح به آنها «فابل» (Fable) گفته می شود. این داستان ها اغلب با انگیزه بیان انحرافات اخلاقی و معضلات اجتماعی و سیاسی نوشته شده است. گاه این مشکلات در جامه ای از طنز و تمثیلات نیشدار وزننده، در قالب حکایت های کوتاه بیان می شود و اغلب راهکارهایی در جهت رفع این نواقص در متن داستان ارائه می کند که بی تردید در آگاهی خواننده مؤثر است؛ چرا که طرح مسایل انتقادی در باب ایدئولوژی غالب در هر عصر، به صورت واضح و آشکار امری ناممکن است. بدین ترتیب، بسیاری از داستان هایی که در چارچوب تعریف فابل قرار می گیرند، به سبب داشتن مضامین سیاسی و اجتماعی، تعریف «الگوری» (allegory) را نیز شامل می شوند. الگوری یکی از شیوه های بیانی است که در آن یک شخص، یک عقیده مطلق یا یک واقعه، دارای دو سطح درونی و بیرونی است. این اصطلاح اغلب برای داستانی به کار می رود که نویسنده از شخصیت ها یا اعمالی که ضمن داستان آمده، معنایی فراتر از ظاهر را در نظر دارد و این سطح زیرین معنایی، نسبت به روساخت داستان مضامین مهم تری را در بر می گیرد. «در یک الگوری که مضمونی سیاسی - اجتماعی دارد و در اصل برای انتقاد از نظامی سیاسی، از طرح داستانی استفاده شده، تمام اجزای داستان در جهت اهدافی است که نویسنده در نظر دارد؛ از این رو شخصیت ها و نیز حوادث ما به ازای خارجی دارند» (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۰-۹۱).

بررسی این دو اثر بر بنیان دیدگاه های مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی (Comparative Literature) استوار است. این مکتب بر خلاف مکتب فرانسه، بر آن عقیده است که برای تطبیق دو اثر ادبی، نیازی به تقارن تاریخی میان آن دو نیست و بی آنکه مبادله ای میان دو اثر صورت گرفته باشد و یا این که ارتباطی میان دو نویسنده بر قرار شده باشد، نیز می توان به تطبیق دو اثر ادبی پرداخت (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۴). در تحقیق حاضر نخست به معرفی شخصیت ها و بیان ویژگی های هر یک از آن ها پرداخته شده؛ ویژگی هایی که از خلال سخنان راوی داستان و یا گفتگوهای ایشان با یکدیگر به دست

آمده است و بر رسیدن این مطلب که هر یک از این شخصیت‌های حیوانی به سبب داشتن این صفات ظاهری و درونی، نماینده تپ‌های مختلفی از انسان‌ها در عالم واقع هستند. لازم به ذکر است از آنجا که هم جامعه زمان ورود کلیله و دمنه به ایران (یعنی دربار ساسانیان) جامعه‌ای طبقاتی است و هم نظام استالینی موجود در روسیه در آن مقطع زمانی از طبقات مختلفی تشکیل یافته است، بر آن هستیم که صرفاً به اشاره به یک طبقه یا سمت و مقام خاص بسنده کنیم. پس از معرفی شخصیت به ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها در دو کتاب خواهیم پرداخت و در پایان نتیجه کلی از این پژوهش ارائه خواهد شد.

۲. آشنایی با قلعه حیوانات و کلیله و دمنه

نوشتن داستان‌هایی به زبان حیوانات در ادبیات بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه بوده است. قلعه حیوانات جورج اورول (George Orwell) داستانی انتقادی با محتوای سیاسی-اجتماعی است که به شکل نمادین مسایل مربوط به نظام حکومتی وقت در روسیه را تبیین می‌کند. اورول در این اثر شکست یک انقلاب آرمان‌گرایانه در جامعه‌ای عقب افتاده با مردمی خیال‌پرداز را به تصویر می‌کشد (کوشا، ۱۳۷۹: ۱۲). به بیان دیگر، این داستان تمثیل یک جامعه کمونیستی است. درون این جامعه حیواناتی زندگی می‌کنند که با توجه به ویژگی‌های هر یک از آنها در عالم نماد و تمثیل، می‌توان آن‌ها را با واقعیت‌های انقلاب شوروی و نظام استالینی قابل انطباق دانست. هر یک از شخصیت‌ها، نماینده تپ خاصی از انسان‌ها در یک انقلاب آرمانی است که به نحوی در این جامعه مشغول کار هستند، از طبقات برتر جامعه: رهبران، روشنفکران و اشراف گرفته تا طبقات فرو دستی چون کارگران و دهقانان.

خود اورول درباره قلعه حیوانات چنین می‌گوید: «پس از برگشتن از اسپانیا فکر کردم که اسطوره شوروی را موضوع داستانی قرار دهم که برای همه قابل فهم باشد... بنابراین، شروع به تحلیل نظریه مارکس از دید حیوانات کردم. از دیدگاه این گروه مسلّم بود که مبارزه طبقاتی بین انسان‌ها یک توهم محض است، زیرا هرگاه که پای بهره‌کشی از حیوانات در میان بوده، همه مردم در مقابلشان متحد شده‌اند. مبارزه واقعی بین انسان‌ها و حیوانات است... انسان از حیوانات همان گونه بهره‌کشی می‌کند که ثروتمندان از طبقه پرولتاریا» (اورول، ۱۳۶۳: ۱۱۹).

و نیز از نمونه‌های برجسته فابل-الگوری‌ها در ادبیات فارسی *کلیله و دمنه* است که برزویه طیب مروزی در *عصر انوشیروان پادشاه ساسانی* این اثر را با خود به ایران آورد. حتی گفته شده چه بسا این کتاب را خود برزویه برای بیداری هم وطنانش که در آن دوره از سلطنت ساسانیان دچار انحطاط اخلاقی و نیز فساد و نابسامانی شده بودند، نگاشته باشد (جمالزاده، ۱۳۵۲: ۱۱۰۳). در «باب شیر و گاو» *کلیله و دمنه* پادشاهی شیر در جنگل و حیوانات مختلفی که در قلمرو فرمانروایی وی زیست می‌کنند، به تصویر کشیده شده است. وقایعی که در این اثر رخ می‌دهد تا حد بسیاری با رخدادهای دربار ساسانی منطبق است. در جامعه ساسانی اختلاف طبقاتی بیداد می‌کرد. بین طبقه اشراف و طبقه عامه تفاوت بسیاری وجود داشت؛ فرد بر بنیاد طبقه پیشینیان خود صاحب مقام و مرتبه می‌شد و هیچ کس نمی‌توانست خواهان درجه‌ای باشد برتر از آنچه به طور موروثی صاحب آن می‌شد. اینگونه بود که جامعه بر حسب خون و نژاد به ترتیب برتری به گروه‌های زیر تقسیم شد: «آذربانان»، «ارتشداران»، «دیران» و «وستریوشان». پس از خسرو پرویز دربار ساسانی دچار ضعف و فساد شد. غالب پادشاهانی که روی کار آمدند، بازیچه دست سردمدارانی بودند که از خود هیچ درایتی نداشتند. شکایت تلخ و دردناک برزویه طیب در *کلیله و دمنه*، بی‌شک قسمتی از احوال روحانی و اخلاقی اواخر عهد ساسانیان را روشن می‌کند (زرین-کوب، ۱۳۴۳: ۱۷۶-۱۸۲).

در این روزگار تیره که خیرات بر اطلاق روی به تراجع آورده است و همت مردمان از تقدیم حسنات قاصر گشته... و کارهای زمانه میل به ادبار دارد و چنانستی که خیرات مردمان را وداع کردستی، و افعال ستوده و اقوال پسندیده مدروس گشته و راه راست بسته و طریق ضلالت گشاده و عدل ناپیدا و جور ظاهر... دوستی‌ها ضعیف و عداوت‌ها قوی، نیک مردان رنجور و مستذل و شریران فارغ و محترم، مکر و خدیعت بیدار و وفا و حریت در خواب، دروغ موثر و مثمر و راستی مهجور و مردود، حق منهزم و باطل مظفر... (نصرالله منشی، ۱۳۶۷: ۵۵-۵۶).

۳. معرفی شخصیت‌ها

با اینکه کارکرد (function) یک یک شخصیت‌هایی که در دو اثر نقش آفرینی کرده‌اند، در پیشبرد اهداف نویسندگان مؤثر بوده است، در این مقاله فقط به معرفی

شخصیت‌های اصلی در هر یک از دو داستان پرداخته می‌شود؛ زیرا بعضی از شخصیت‌ها کارکردی مشابه دارند و برای بررسی تطبیقی در اینجا آشنایی با شخصیت‌های اصلی کافی است. علاوه بر این در این بخش تلاش می‌کنیم با نگاهی تمثیلی و الگوریک شخصیت‌ها و کارکرد آنها در داستان را مورد تحلیل و بازکاوی قرار دهیم.

۱-۳- شخصیت‌های قلعه حیوانات

میجر (Meijer): خوکی آرمان‌گرا و خیال‌پرداز است؛ گویی توهمی است که به زودی رنگ می‌بازد. میجر در پلان اول داستان ظاهر می‌شود، خطاباً غرایی ایراد می‌کند و در ضمن این خطاب به رنج و بدبختی حیوانات و ستمی که انسان بر آن‌ها روا می‌دارد، اشاره می‌کند. آن‌گاه رویایی را که شب پیشین در خواب دیده است، برای حیوانات تصویر می‌کند؛ «زمانی که بشری وجود ندارد تا ظلم کند و از جامعه‌ای آرمانی سخن می‌گوید که در آن حیوانات خود اداره‌کننده جامعه می‌شوند و سرود آزادی سر می‌دهند. میجر با این سخنرانی پایه‌گذار انقلابی می‌شود که در آغاز موفق و تأثیرگذار جلوه می‌کند. او در آغاز پلان دوم می‌میرد، اما سرود آزادی بخش «حیوانات انگلیس» که وی سروده است، در ناخودآگاه جمعی همه حیوانات باقی می‌ماند (اورول، ۱۳۷۷: ۱۴۸). میجر تمثیل رهبری است که اگر چه نمی‌تواند شخصاً انقلاب را به سرانجام برساند، اما نظریاتی که وی طرح می‌کند، در شکل‌گیری انقلاب موثر می‌افتد و همیشه شخصیتی جهت‌دهنده به آرمان‌های انقلاب و قابل احترام برای همگان باقی می‌ماند.

سنوبال (Snowball): خوکی است مبتکر، خلاق، طرفدار آزادی، بلیغ و در سخنرانی ماهر (همان: ۲۲)، فعال در عرصه‌های سیاسی همچون ایجاد انجمن‌ها و کمیته‌ها (همان: ۴۰). وی مدافع سرسخت و ادامه‌دهنده راه میجر پیر است و بسیار پای‌بند به اجرای فرمان‌های هفتگانه‌ای که وی صادر کرده است. او در دنیای قرن بیستم تمثیل شخصیتی است روشنفکر و متفکر که پیوسته برای اصلاح جامعه می‌کوشد و در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حضور دارد؛ نظریات و ایده‌های جالب توجهی دارد؛ پیرو تکنولوژی روز است مانند ساخت آسیاب بادی؛ با این تفاسیر هر زمان که رهبران جامعه احساس کنند کارهایی که او انجام می‌دهد، ممکن است به نظام حکومتی آسیبی برساند و باعث شود که نیروی انسانی حالت ابزار خویشت را از دست بدهد، او را از جامعه طرد می‌کنند.^۲

ناپلئون: خوکی است زیرک، فرصت طلب، خشن و مستبد (همان: ۲۲)، مخالف سر سخت سنوبال و مدافع کار بیشتر حیوانات، دارای فاکتور حمایت و پیروی عوام. او نه قلوهای جسی و بلوبل _ دو سگ نگهبان _ را تحت نظارت مستقیم خویش می‌پروراند و تا زمانی که این سگ ها بزرگ وقوی نشدند، دست به کودتا و طغیان نمی‌زند. زمانی که سنوبال را فراری می‌دهد، بالای سگویی می‌رود که قبلاً میجر بر آن ایستاده و نطق کرده بود و عملاً اداره قلعه حیوانات را بر عهده می‌گیرد و از آن پس دشمن فرضی داخلی و مسئول هر حادثه‌ای در قلعه سنوبال است و تأیید کور کورانه گوسفندان را دارد که هر کجا و هر زمان که سکوت حکمفرما شود، صدای این ها نیز به گوش می‌رسد (همان: ۱۵۰).

باکسر: اسبی است پرکار وقوی (همان: ۹) داوطلب انجام کارهای دشوار و به تعبیری، ایثارگر و از خود گذشته. او با دو شعاری که در طول حیات خویش می‌داد، بیشتر شناخته می‌شود «من بیشتر کار خواهم کرد» (همان: ۳۷) و پس از اداره مزرعه توسط ناپلئون همیشه می‌گفت «همیشه حق با ناپلئون است» (همان: ۶۹). او یک زحمتکش حرفه‌ای بود؛ نهایت تلاش خود را می‌کرد و همیشه از جانب دیگر حیوانات مورد تحسین واقع می‌شد. وی مشکلاتی را که در قلعه پس از نبردهای خارجی پیش می‌آمد، مانند خرابی آسیاب و... را ناشی از نقص خود می‌دانست و معتقد بود که تنها راه حلّی که به نظر می‌رسد، این است که باید بیشتر کار کنم. باکسر در نظام استالینی نمایانگر طبقه کارگر و محروم جامعه می‌باشد؛ کارگرانی که همیشه مشغول کار هستند و حتی قدرت اعتراض برای تغییر وضعیت موجود را هم ندارند. از میان سخنانی که باکسر در بستر مرگ می‌گوید، یک جمله قابل تأمل است: «اگر زنده بماند، بقیه عمرش را صرف یاد گرفتن بقیه حروف الفبا خواهد کرد» (همان: ۱۳۵).

کلوور (Clouver): او هم چون باکسر اسب ارابه‌آقای جونز بود و بعد از انقلاب هم کار می‌کرد، اما نه به اندازه باکسر. وی تمام حروف الفبا را می‌دانست، ولی از ساختن کلمه عاجز بود؛ بنابراین، قدرت بیان افکارش را نداشت؛ در حالی که آنچه می‌اندیشید، واقعیات تلخی بود که وجود داشت. رشته افکارش در پلان هفتم داستان - که حیوانات پس از اعتراف اجباری به کارهای خود به سزای اعمال خود می‌رسند - از زبان راوی چنین بیان می‌شود: «از تلاشی که برای راندن آدم‌ها کردند، هدف این نبود. منظور از

انقلابی که میجر پیر تخمش را کاشت، وحشت و کشتار نبود؛ بلکه تصویری بود از اجتماع حیوانات در امان از گرسنگی و شلاق و... و هرکس فراخور ظرفیت خود کار می‌کرد و قوی حامی ضعیف بود» (همان: ۱۰۱). او نیز در نظام استالینی تمثیل طبقه فرو دست جامعه است.

بنجامین (Benjamin): الاغی است سالخورده، بدخلق، کم حرف، بی تفاوت نسبت به انقلاب، علاقمند به انزوا و تنهایی. «بسیار باهوش است و نکته‌ها و روابط را می‌فهمد، ولی... آشکار نمی‌کند؛ به عافیت خود توجه دارد و به سؤالات سیاسی حیوانات پاسخ‌های دو پهلو می‌دهد؛ صادق است و در دام خوک‌ها نمی‌افتد، در کلیه فعالیت‌های روزمره قلعه به وظایف کاری خویش متعهد است، ولی بیش از آن چه از او خواسته شده است، کار نمی‌کند... به نظر می‌رسد بنجامین نماینده نوعی نگاه نسبت به اجتماع است که می‌گوید اقتضای طبیعت بشر و خصلت‌های زیاده‌طلبی او، استمرار تبعیض، ظلم و قتل در تاریخ است» (کوشا، ۱۳۷۹: ۱۲۶-۱۲۷).

گاوها و مرغ‌ها: در طول داستان همیشه مسئول شیر دادن و تخم گذاشتن می‌باشند. این گروه را می‌توان جزء طبقه زحمتکشان و سود آوران محسوب داشت. در نطق میجر به طور صریح به این مسأله اشاره شده است.

سکوئیلر (Squealer): خوک‌کی است تند و چابک، زیرک، سخنگویی زیر دست، کسی که قادر است سیاه را سفید جلوه دهد (اورول، ۱۳۷۷: ۲۲) توجیه‌کننده کارهای خلاف خوک‌ها و بلندگوی تبلیغاتی ناپلئون (همان: ۶۸)، کسی که به راحتی می‌تواند افکار عامه حیوانات را جهت دهد. وی نماد دستگاه تبلیغاتی شوروی در دوران نویسنده است.

مینی ماس (Minimouse): خوک‌کی است شاعر و مدیحه‌سرا، کسی که شعری با ردیف «رفیق ناپلئون» سرود و سروده‌وی، جانشین سرود «حیوانات انگلیس» شد. او نمونه شاعران متملقی است که جاهلانه جذب قدرت برتر می‌شوند و به مدح ایشان می‌پردازند.

مالی: مادیان سفید قشنگی که در شبکه تک اسب آقای جونز را می‌کشید. دوستدار رفاه و آسایش و عدم حس نوع دوستی، تا آنجا که زمان نبرد در انبار پنهان می‌شد که مبادا به او آسیبی وارد شود» (اورول، ۱۳۷۷: ۱۰). مالی در نگاه اورول در حکومت

کمونیستی روسیه نمایانگر طبقه اشراف و ثروتمندانی است که همیشه بزرگترین دغدغه‌شان این بوده که چگونه بتوانند در آسایش به سر برند و در همان حال فاصله خود را با طبقه محروم جامعه حفظ کنند. همین رفاه طلبی سرانجام سبب می‌شود که مالی قلعه را ترک گفته، به آقای جونز پناه برد.

گوسفندان: نماد طبقه عوام هستند. سیاهی لشکر های رهبر گروه که با پیروی کورکورانه باعث اشاعه ظلم بیشتر قدرتمندان می‌شوند (همان: ۱۳۰).

۲-۳- شخصیت های «باب شیر و گاو»

شیر: جوانی است رعنا، مستبد و خودخواه و در عین حال، ترسو و بی تجربه (منشی، ۱۳۶۷: ۶۱)، فریب خورنده و ساده لوح. این ها از جمله ویژگی هایی است که در خلال داستان می‌توان بدان ها دست یافت. شیر در ادبیات فارسی همواره تمثیل پادشاهان بوده است و همیشه بر مسند قدرت و حکومت بر سایر حیوانات تکیه زده است. می‌توان چنین پنداشت که این حیوان نماد برخی از پادشاهان عصر ساسانی است؛ زمانی که برزویه طیب کلیل و دمنه را به ایران آورد. همان طور که در مقدمه نیز گفته شد، غالب این پادشاهان بی-کفایت بودند و همچون مومی در دست بزرگان دربار شکل می‌پذیرفتند. در این داستان نیز مشاهده می‌شود که شیر به سبب بی تجربگی، خامی و نیز عدم آشنایی با اطرافیان خویش دچار اشتباهاتی می‌شود که تنها به بهای از دست دادن حکومت قابل جبران است. او حتی از بانگ گاو که حیوانی اهلی و بی خطر است، می‌هراسد؛ حال آنکه نه او را تاکنون دیده است و نه او را می‌شناسد. به نظر می‌رسد او نیز همچون دیگر پادشاهان به اختلاف طبقاتی آگاهی دارد، چرا که در قسمتی از سخنان او در داستان چنین آمده است: "... و شنزبه آن گاه که خود دشمن باشد، پیداست که چه تواند کرد... او طعمه من است و مادّت حرکت او از گیاه است و مدد قوّت من از گوشت ..." (همان: ۹۷).

دمنه: شغالی است سخن چین، خائن، شرّیر و فتنه گر، دو به هم زن، چرب زبان (همان: ۶۱). همان گونه که گفته شد، جدایی طبقات از مختصات عصر ساسانی بود. در این جا نیز می‌توان مشاهده کرد که دمنه وقتی وارد سراپرده سلطان می‌شود، شیر می‌پرسد: «این کیست... می‌گویند فلان پسر فلان» و شیر در پاسخ می‌گوید: «آری پدرش را شناختم» و این مسأله بسیار حایز اهمیت بوده است. چنین به نظر می‌رسد که همتای دمنه در جامعه

ساسانی، دبیری است علاقمند به تقرّب بیشتر به سلطان، مظهر قدرت در دربار، و رسیدن به رفعت مقام. از این رو، همواره تلاش می‌کند خود را به مقام موبدان یا آذربانان یعنی بالاترین مقام موجود در دربار ساسانی برساند.

کلیده: شغالی است زیرک و در عین حال محتاط، دانا به حد و مرز هر طبقه. بنابراین، پا از گلیم خویش فراتر نمی‌نهد و به مقام فعلی خود قانع است. او به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی و خصلت‌های درونی، شخصی مثبت‌اندیش است و در راستای آفرینش داستان با دمنه تفاوت دارد. بیش از آن که به فکر جاه و مقام باشد، در اندیشه‌ی نان است. او به سبب داشتن زبانی نصیحت‌گر در محیط درباری آن روزگار چندان پذیرفته شده نیست. چنان که دمنه به رغم نصیحت‌های وی کاری را می‌کند که در پایان به مرگ شنزبه منجر می‌شود.

شنزبه: حیوانی جوینده قوت روزانه (همان: ۶۰)، ساده لوح، جبرگرا و معتقد به قضا و قدر (همان: ۱۰۴). در جامعه ساسانی می‌توان او را از جمله دهقانان و مزرعه‌داران دانست؛ گروه زحمتکشی که فقط با عرضه محصول به صورت غیر مستقیم با دربار در ارتباط بودند و پادشاه هیچ‌گونه شناختی از ایشان نداشت جز این که مالیات‌ها را از ایشان اخذ می‌کرد. به همین جهت، شیر از بانگ گاو می‌هراسد، از بیم آن که مبادا حیوانی باشد که به قصد تسخیر تاج و تخت به آن جا آمده باشد. با این ویژگی‌ها، شنزبه جزء عوام جامعه است که جز برای چاکری و فرمانبرداری به دربار آورده نمی‌شوند (همان: ۷۳) و نیز در عالم تمثیل و حکایت مثل شنزبه چونان اشتر دراز گردن کشیده بالا است که بیچاره به دمدمه رقیبان در کوزه فجاج افتاد.

۴. بررسی تطبیقی شخصیت‌های قلعه حیوانات و «باب شیر و گاو»

۱-۴- شباها

شخصیت گاو تنها حیوانی است که در هر دو داستان حضور دارد؛ با این تفاوت که در داستان شیر و گاو دارای نقش اصلی است و حضور پررنگ تری دارد، حال آن که در قلعه حیوانات این حیوان تنها جزء سودرسانان جامعه محسوب می‌شود. اما در هر دو داستان دارای خصوصیات ویژه‌ای است که می‌توان او را نماینده طبقه زحمتکشان و کارگران دانست.

ویژگی دیگرش این است که در هر دو داستان دانا به مقام و منزلت خود است و به خوبی می‌داند که جایی برای نزدیک شدن به قدرت‌های برتر را ندارد و در «باب شیر و گاو» می‌بینیم که با تحریض دمنه به دربار برده می‌شود و سرانجام هم با سعایت وی جان خود را از دست می‌دهد.

از آن جا که شخصیت‌های اصلی در داستان شیر و گاو به نسبت قلعه حیوانات بسیار محدود است، گاه یک شخصیت در این داستان، نقش چند شخصیت در قلعه حیوانات را ایفا می‌کند. یکی از این اشخاص دمنه است که دارای شخصیت پیچیده‌ای است. او شخصیتی منفی همچون ناپلئون دارد؛ هر دو فرصت طلب، زیرک و خواستار قدرت تسلط بر دیگران هستند. دمنه ابتدا با ترفند و حيله، قصد تقرّب به دربار و پادشاه را دارد، سپس به متلاشی کردن روابط مثبت در دربار می‌پردازد و به علت حسادت که از درون نسبت به شنزبه دارد، تا به آن جا پیش می‌رود که او را در دام فنا می‌افکند. هم چنین ناپلئون تا زمانی که نسبت به نیروی دفاعی خویش اطمینان حاصل نکرده، دست به شورش و کودتا نمی‌زند. سپس آن قدر پیشروی می‌کند که هفت فرمان آرمانی می‌جربد به یک جمله تبدیل می‌شود: «همه حیوانات برابرند، برخی برابرترند» (همان: ۱۵۱).

شخصیت دیگری که با دمنه ویژگی مشترک دارد، سکویلر است. دمنه شریک داستان «شیر و گاو» است و اساس شکل‌گیری داستان به سبب بیان ویژگی‌های انسانی است که در تضریب و دو به هم زنی دستی تمام دارد به علاوه، برای کسب منفعت، قادر است باطل را حق و حق را باطل جلوه دهد (همان: ۹۹). این دقیقاً همان ویژگی‌ای است که در خلال داستان در توصیف سکویلر بیان می‌شود «یک سختران ماهر است و قادر است سیاه را سفید جلوه دهد». حیوان دیگری که با دمنه قابل تطبیق است، مالی مادیان سفید است که این هر دو بسیار رفاه طلب و علاقه مند کسب شهرت هستند.

همواره در داستان پردازي کلاسیک و مدرن شخصیت‌های مثبت و منفی (قهرمان و ضدقهرمان) در تقابل با یکدیگر در روند طولی داستان حضور می‌یابند؛ از این رو حضور دمنه در «باب شیر و گاو» اقتضا می‌کند که کلیله به عنوان شخصیت مثبت در داستان حضور پیدا کند. شخصیت کلیله در برخی موارد با سنوبال قابل انطباق است. هر دوی این اشخاص سعی در از بین بردن کارکردهای سوء شخصیت‌های منفی (ناپلئون و دمنه)

دارند؛ با این تفاوت که کلیله تا پایان داستان به شکلی فعال ایفای نقش می‌کند، اما سنوبال از پلان ششم دیگر حضور فیزیکی ندارد و صرفاً نام او به عنوان «خراب کار و یاغی» به گوش می‌رسد.

۲-۴- تفاوت‌ها

یکی از مقولاتی که منشأ تفاوت در شخصیت‌پردازی دو اثر می‌شود، نوع حیواناتی است که در دو داستان حضور دارند. کاملاً روشن است که داستان «شیر و گاو» در محیط جنگل رخ می‌دهد. جنگلی که حیوانات موجود در آن وحشی هستند و شترزه به عنوان شخصیتی اهلی نقش یک تازه وارد را بازی می‌کند. همین امر می‌تواند نمایانگر فضای دربارهای ساسانی باشد که مردم عامه به جهت فرودست بودن، شایستگی حضور در چنین مکانی را ندارند. بنابراین، می‌بینیم که چندی از حضور شترزه در دربار نمی‌گذرد که به سعایت حیوان پستی چون شغال، سرنگون می‌شود. در حالی که وقایع قلعه حیوانات در مزرعه شکل می‌گیرد و انبوهی از حیوانات اهلی در آن حضور دارند. این مسأله با توجه به هدف نویسنده از طرح مسایل اجتماعی و سیاسی درون یک جامعه واحد قابل توجیه است. از دیگر تفاوت‌هایی که در دو داستان به چشم می‌خورد، این است که حیوان برتر در کلیله و دمنه شیر است که به عنوان تنها قدرت برتر خود نمایی می‌کند و همواره یک شیر شایستگی پادشاهی را دارد؛ و اگر حتی یکی از هم‌جنسانش قصد به دست گرفتن قدرت را داشته باشد، جنگ و نزاع بر پا می‌شود. در حالی که در قلعه حیوانات خوک‌ها هستند که به عنوان قدرت برتر شناخته می‌شوند و توان این را دارند که بگویند: «همه حیوانات برابرند، برخی برابرترند». در واقع قدرت میان خوک‌ها تقسیم شده است و هر یک به سبب داشتن یک ویژگی خاص قدرتمند محسوب می‌شوند. این قدرت میان خوک‌ها به شکل موروثی در گردش است و هیچ‌گاه به حیوان دیگری منتقل نمی‌شود. نویسنده به خوبی توانسته نظام طبقاتی استالینی روسیه را به نمایش بگذارد.

۵- نتیجه‌گیری و دستاورد علمی

۱. در حکایت‌هایی که از زبان حیوانات نقل می‌شود و مضمونی سیاسی و اجتماعی دارد، حیوانات وحشی ساکن جنگل با توجه به ویژگی‌های درونی و ظاهری، معادلی نیک برای قدرتمندان و زورگویان در اجتماعات انسانی محسوب می‌شوند. این حیوانات

در داستان های تمثیلی اغلب نسبت به تساوی و برابری حقوقی افراد جامعه بی توجه اند و خواستار کسب قدرت و حکومت بر دیگران هستند.

۲. حیوانات اهلی با توجه به سود بخشی و کمک رسانی به انسان ها، نماد تلاش محسوب می شوند. در داستان های تمثیلی و به ویژه فابل-الگوری ها از آن ها برای به تصویر کشیدن ویژگی ها و بیان مشکلات طبقه عوام، محرومان و زحمتکشان جامعه استفاده شده است. شخصیت گاو در دو داستان مورد بررسی از این مشخصه برخوردار است.

۳. قلعه حیوانات یک داستان مدرن است، حوادث، رخدادها و دیالوگ ها پیوسته و پشت سر هم می آید؛ حال آنکه داستان شیر و گاو به صورت تو در تو و حکایت در حکایت بیان شده است و ممکن است در ضمن اصل داستان چندین حکایت فرعی (episode) نیز بیان شود که اغلب با یک نتیجه گیری اخلاقی پایان می پذیرد. این امر می تواند تفاوت داستان پردازی در یک داستان قرن بیستمی با داستانی کلاسیک را نشان دهد و بر شخصیت پردازی نویسنده تأثیر گذارد.

۴. هر دو کتاب دارای انگیزه طرح و بیان مسایل سیاسی و اجتماعی است. قلعه حیوانات برای به تصویر کشیدن حکومت کمونیستی شوروی نگاشته شده است. به نظر می رسد کلیله و دمنه نیز با انگیزه نقد جامعه درباری به ایران آورده شده است. به همین جهت، در لابه لای سطور هر دو اثر، انتقادهایی علیه نابسامانی های موجود در اجتماع به چشم می خورد.

۵. عناصر داستان پردازی غرب و شرق در این دو اثر بسیار به هم نزدیک شده است. فضا، مکان، شخصیت، گفتگو و سایر عناصر داستان پردازی در آفرینش هنری هر دو داستان مؤثر بوده است. با این حال، هنر شخصیت پردازی در کلیله و دمنه بسیار قابل توجه است. شخصیت های موجود در داستان های کلیله و دمنه به مراتب کمتر از شخصیت های موجود در قلعه حیوانات است. اما هیچ گونه کم و کاستی در کارکرد آن ها و ابلاغ پیام به مخاطب به چشم نمی خورد؛ چنان که طبقات موجود در اجتماع درباری آن زمان به خوبی به تصویر کشیده شده است. حال آنکه در قلعه حیوانات اشخاص بیشتری در آفرینش داستان نقش داشته اند و همین تعدد شخصیت هاست که به نویسنده مدد رسانده تا پیام مورد نظرش را به خواننده انتقال دهد.

یادداشت‌ها

- ۱- منظور از طبقه اشراف ثروتمندان روسیه است که پس از مدتی حضور در جامعه کمونیستی طاقت نیاورده، جامعه را ترک گفتند.
- ۲- خوانندگان عزیز توجه دارند، برداشتی که از شخصیت‌ها تصویر می‌شود، صرفاً بیان کردارهایی است که با توجه به متن داستان در نظام شوروی و حاکمیت استالین در زمان نویسنده وجود داشته است؛ بنابراین، این چنین نیست که درباره تمام حکومت‌ها صادق باشد.

کتابنامه

- ۱- ابن مقفع، عبدالله (بی تا)، **کلیله و دمنه** (ترجمه عربی)، چاپ دوم، بیروت.
- ۲- اورول، جورج (۱۳۷۷)، **قلعه حیوانات**، ترجمه امیر شاهی امیر، چاپ دهم، تهران: جامی.
- ۳- _____ (۱۳۶۳)، **مجموعه مقالات**، ترجمه اکبر تبریزی، چاپ اول، تهران: پیک.
- ۴- تقوی، محمد (۱۳۷۶)، **حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی**، چاپ اول، تهران: روزنه.
- ۵- جمالزاده، محمد علی: «**فایل در ادبیات فارسی**»، مجله گوهر، سال اول، شماره ۱۱.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۳)، **تاریخ ایران بعد از اسلام**، تهران: بی نا.
- ۷- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۵۳)، **دایره المعارف ادبی**، چاپ اول، تهران: ابن سینا.
- ۸- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲)، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه حسین سیدی، چاپ اول، مشهد: به نشر.
- ۹- کوشا، سعید (۱۳۷۹)، **باز هم قلعه حیوانات**، چاپ اول، تهران: نقش و نگار.
- ۱۰- نصر الله منشی (۱۳۶۷)، **کلیله و دمنه**، تصحیح مجتبی مینوی، چاپ هشتم، تهران: دانشگاه تهران.